

روانشناسی و روانپزشکی کیفری

اثر: دکتر شکرالله طریقتی تهران ۲۵۳۵ انتشارات دهخدا

نقد و بررسی: دکتر نادر نوع پرست

رفتار انسان، در آخرین بررسی، فرآورده و چکیده کنشها و واکنشهای متقابل و چند سوی میان عوامل ارثی و بدنی، روانی و اجتماعی است. بر مبنای این اصل علمی و پذیرفته شده کتاب روانشناسی و روانپزشکی کیفری گرچه در رابطه با عوامل ارثی، بدنی و روانی بسیار جامع و رساست ولی در رابطه با نقش عوامل اجتماعی نشانه ای از دریغ نسبی نویسنده است. نویسنده کتاب، توانائی خود را در تعریف، توصیف، علامت شناسی و تشخیص اختلالات روانی یا رفتاری ناشی از عوامل ارثی و بدنی و روانی نشان داده است، درحالیکه عوامل اجتماعی دخیل در این اختلالات آنطور که خواننده متخصص انتظار دارد مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته اند. بنظر میرسد که لااقل سه عامل سبب نا برجستگی نقش عوامل اجتماعی دخیل در اختلالات رفتاری مورد بحث در این کتاب باشد:

الف: کمبود بسیار جدی و غیر قابل انکار کوششهای پژوهشی و علمی روی عوامل اجتماعی و فرهنگی دخیل در رشد و بروز اختلالات رفتاری در ایران که متأسفانه و طبیعتاً هر نویسنده ای را محدود و متأثر میکند.

ب: دریغ نویسنده در توضیح بیشتر پیرامون نقش عوامل اجتماعی که گرچه بطور ضمنی بارها در کتاب آمده است، لکن بطور سیراب کننده و به نسبت غنای مطلب پیرامون رابطه میان عوامل ارثی و بدنی و اختلالات رفتاری مورد بررسی قرار نگرفته است. شاید اگر نگارنده بستگی میان مشکلات اجتماعی و ناسازگاری های روانی و رفتاری را بیشتر مورد بررسی قرار میداد کتاب بطور کلی موزون تر بنظر میرسید.

ج: شاید عبارت "مقدمه ای بر" که پیش از عنوان اصلی کتاب آمده است اجازه

کافی را به نویسنده نداده است تا بتواند آنطور که خود میخواست به تجزیه و تحلیل نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در بروز اختلالات روانی و رفتاری بپردازد.

۲- بزهکاری رفتاری است که باید از دیدگاه پزشکی، روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد شناخت، کنترل و درمان و پیشگیری قرار گیرد. در بیان این پیام، نویسنده بخوبی توانسته است حق مطلب را ادا نماید. گرچه کمبود تجزیه و تحلیل عوامل جامعه‌شناسانه دخیل در رفتار بزهکارانه محسوس بنظر می‌رسد. در این پیام، نگارنده بخواننده نشان می‌دهد که چگونه یک اختلال در فرایند وراثت، یک آسیب دیدگی در یکی از اندامهای بدن، یا یک اختلال در شکل‌گیری شخصیت و رفتار سبب بروز گرایشهای بزهکارانه خواهد شد. در این پیام این نکته اساسی بطور ضمنی آشکار است که رفتار، بدون علت یا علل غیر قابل بروز است، و بزهکاری بعنوان یک رفتار چند عاملی و پیچیده معلول عللی است که هرگز نمی‌تواند از نظر رفتار شناس کاردان چه از دیدگاه روانپزشکی، روانشناسی، یا قانون-شناسی دور باشد.

۳- وضع و اجرای قوانین کیفی بدون شناخت علمی رفتاری که قوانین برای کنترل آن (رفتار) تدوین شده‌اند، ناقص بنظر می‌رسد. در این پیام نگارنده با مدارک مناسب نشان داده است که مجازات فردی که بسبب اختلال ارثی و بدنی، روانی و شخصیتی، یا اخلاقی و اجتماعی از قوانین مدنی سربلجی میکند بهمان اندازه بیمورد، زبان‌بخش، و غیر علمی است که مجازات یک بیمار مسلول ممکن است روا باشد. با توجه به این نکته نقش رفتارشناسی در تدوین و اجرای قوانین کیفی نکته‌ایست بسیار در خور توجه که باید همواره در مد نظر وضع‌کنندگان و مجریان قوانین باشد. قوانین باید بشیوه‌ای تدوین و اجرا شوند که نه تنها سلامت جسمانی، روانی، و اجتماعی تمامی افراد متعلق به یک فرهنگ و اجتماع را تأمین و تضمین نمایند، بلکه بتوانند شرایط افرادی را که بعلت یا علل گوناگون ارثی، جسمانی، روانی، و اجتماعی نظم و ثبات اجتماعی و اخلاقی را مورد تهدید قرار می‌دهند، در بگیرند.

این نکته بویژه در مورد بزهکاران که بیشتر از اختلالات بدنی، روانی و اجتماعی رنج می‌برند مصداق دارد. زیرا بزهکار و مجرم فردی است بیمار که بیماری او ناشی از تاثیر عوامل مختل‌کننده جسمانی، روانی و اجتماعی و یا ترکیبی از تمام این عوامل است. بنابراین قوانین کیفی باید قادر باشند بزهکار بیمار را از بزهکار سالم تشخیص دهند. گرچه طبق یکی از دیدگاههای رفتارشناسی مجرم، از هر نوع و درجه، فردی است که

سازگاری او با محیط و قوانین بسبب یکی از علل مورد اشاره در فوق دچار اختلال شده است. در این رابطه، بررسی انگیزه‌ها انگیزه‌های محرم در ارتکاب جرم همدنی است که با پرسشهای متداول، نایوبا، و قالبی وکیل و دادستان در دادگاه قابل دسترس نیست و تنها بکمک متخصص در رفتارشناسی بزهکاری قابل دستیابی است.

۴- پیام چهارم پیامی است که باید در باره آینده بزهکار، روشهای درمان او، و زندگی او در زندان، پیش بحث باشد. شاید این پیام از پیامهای دیگر مهیتر باشد زیرا همانطور که یک بیمار مبتلا به بیماری سل مستحق و نیازمند درمان مناسب است، یک محرم بعنوان یک بیمار روانی - اجتماعی از استحقاق و نیازمندی درمان، مشاوره و راهنمایی، آموزش تحصیلی و حرفه‌ای مناسب بهره‌مند است. کمبود کیفی، کمی، و تحلیل گریانه این پیام در کتاب مورد بحث بازتابی مستقیم از نقص، ناکفایتی، و محدودیت شدید قوانینی است که آینده مجرم محکوم شده یا محرم محکوم نشده را پیش بینی کرده است. بنظر میرسد که قوانین کیفری باید با انعطاف پذیری منطقی و انسان دستانه بشیوه‌ای تدوین و اجرا شوند که بتوانند یا استفاده از روشهای درمانی پزشکی، روانی، اجتماعی، بزهکار را برای یک زندگی سالم و سازگارانه آماده سازند. نگارنده نیز بطور ضمنی به این نکته اشاره کرده است که فلسفه مجازات بزهکار باید به دانش درمان او تبدیل شود. زیرا بزهکار بجای اینکه از دیدگاه جرمی اخلاق گریانه بعنوان یک فرد بدکار، شیطان صفت و مطرود شناخته شود بهتر است بعنوان فردی که رفتار ناسازگارانه‌اش فریاد بی‌کلامی برای کمک و درمان است قابل قبول باشد. بدون شک قوانین کیفری در ایران باید بجای تأکید روی مجازات و تنبیه روی درمان و راهنمایی و آموزش فرد بزهکار تأکید نمایند.

۵- نگارنده توانسته است با ارائه مدارک و دلایل علمی و رفتارشناسانه و شرح پیچیدگی رفتار بزهکارانه متخصصین در رشته‌های گوناگون پزشکی، روانی، و اجتماعی و قانون شناسی را دعوت به همکاری گروهی نماید که در صورت تحقق، خود قدمی بسوی حل و روشنی پیامهای شماره ۲ و ۴ خواهد بود.

۶- در فصل مربوط به چگونگی تشکیل پرونده شخصیتی بزهکار، نویسنده روش گردآوری اطلاعات اساسی و ارزنده شخصیتی بزهکار را بدقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است با تأکید کافی و لازم روی شناخت یک بزهکار بعنوان یک فرد بیمار یا ناسازگار، پرونده، شخصیتی، اجتماعی و پزشکی محرم تنها منبع علائم و عوارض بیمارگون و ناسازگارانه اوست که درمان، راهنمایی، و آموزش او را تعیین مینماید. باین دلیل تشکیل پرونده شخصیتی

محرم، همدی است که هر حقوقدان مؤثر و کاردان باید بکمک رفتار شناس به آن دسترسی پیدا نماید.

بطور کلی کتاب "مقدمه‌ای بر روانشناسی و روانپزشکی کیفری" علی‌رغم کمبود هائی که بازتابی از کمبودهای فواین کیفری ایران میباشد، گامی است علمی که در جهت اصلاح مشکلات زیر برداشته شده است:

- ۱- کمبود بسیار محسوس در امر پژوهش در زمینه مجرمین و بویژه پیرامون شرایط بدنی، روانی و اجتماعی آنها.
- ۲- عدم همکاری علمی میان روانشناس، روانپزشک، جامعه شناس و قانون شناس پیرامون مشکل بزهکاری و تدوین و اجرای قوانین ویژه برای گروه بزهکار با توجه به آینده بزهکار در زندان یا خارج از زندان.
- ۳- تبدیل فلسفه مبتنی بر مجازات به فلسفه درمان و راهنمایی بزهکار.
- ۴- ارائه طریق برای پیشگیری بزهکاری بویژه در نوجوانان.
- ۵- گسترش آموزش قانون شناس در رفتار شناسی و آشنا کردن او با پویائی های رفتار بزهکارانه.
- ۶- استفاده از نیروهای تخصصی روانشناسی، روانپزشکی، و جامعه شناسی در محیط زندان به منظور اصلاح درست و سودبخش رفتار بزهکاران.
- ۷- آموزش عمومی در جهت تغییر عقاید تعصب آلود و جرم گرایانه مردم در باره بزهکاری و بزهکار از طریق سازمانهای ذیصلاح و مسئول و بویژه رسانه های گروهی.